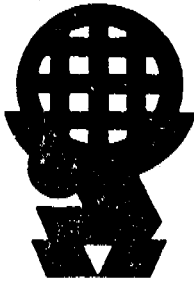


# توزیع درآمد ملی : نابرابری و فقر



\* نوشته : مهدی تقوی



این مسئله که درآمد ملی باید چگونه بین افراد مردم توزیع شود، دیر زمانی است که مسئله‌ای جدل آمیز در اقتصاد و فلسفه بوده است. گروهی بحث میکنند که برابری بیشتر پیش نیاز بقای سرمایه‌داری است از طرف دیگر گروهی اعتقاد دارند که حرکت به سوی برابری نظام سرمایه‌داری را بسوی

سقوط و نابودی می‌کشد. در این مقاله ما اطلاعاتی در رابطه با توزیع درآمد و بحث‌ها برله و علیه آن را ارائه می‌دهیم. سپس به مسئله فقر می‌پردازیم و آنگاه راجع به سیاستهای دولت برای مبارزه با فقر و توزیع عادلانه درآمد صحبت خواهیم کرد.

جدول ۱- توزیع درآمد سال ۱۳۶۳ - ایران (۱)

گروه درآمدی	درصد از کل درآمد	درصد انباشته
دهک اول (ده درصد فقیرترین خانوارها)	۱/۳	۱/۳
دهک دوم	۲/۸	۴/۱
دهک سوم	۴	۸/۱
دهک چهارم	۵/۲	۱۳/۲
دهک پنجم	۶/۵	۱۹/۸
دهک ششم	۸	۲۷/۸
دهک هفتم	۹/۹	۳۷/۷
دهک هشتم	۱۲/۵	۵۰/۲
دهک نهم	۱۶/۹	۶۷/۱
دهک دهم	۳۲/۹	۱۰۰

از جدول ۱، میتوانیم جدول ۲ را نتیجه‌گیری کنیم :

۱- حسن گلریز ، حسابداری اقتصادی - انتشارات پیشبرد - ۱۳۶۶ ، ص ۱۱۱

که هر چه این ناحیه کوچکتر باشد، میزان نابرابری کمتر و هر چه بزرگتر باشد، میزان نابرابری در توزیع درآمد بیشتر خواهد بود.

برای درک نابرابری در توزیع درآمد از آمار واقعی کمک می‌گیریم.

درصد از خانوار	درصد از درآمد
سهم ۴۰ درصد فقیرترین افراد	۱۳/۳
سهم ۴۰ درصد افراد متوسط درآمد	۳۶/۹
سهم ۲۰ درصد افراد پردرآمد	۴۹/۸

سطح‌ها شورزده بوسیله ضریبی بنام ضریب جینی اندازه گیری میشود که برای اقتصاد ایران در سال ۱۳۶۳، ۰/۴۵ بوده است. در صورت وجود برابری کامل این ضریب برابر صفر خواهد بود و هر چه نابرابری افزایش یابد، مقدار آن از صفر بزرگتر خواهد شد.

همانطور که جدول ۲ نشان میدهد در سال ۱۳۶۳ در ایران ۲۰ درصد از پردرآمدترین افراد مالک نیمی از درآمد ایجاد شده در اقتصاد بوده اند و ۴۰ درصد از افراد با درآمد پائین تنها سهمی در حدود ۱۳/۳ درصد از کل درآمد جامعه را داشته‌اند. آمار فوق نشان میدهد که توزیع درآمد در اقتصاد ایران در سال ۱۳۶۳ نابرابر بوده است.

دلایل وجود نابرابری در توزیع درآمد:

۱ - در یک اقتصاد آزاد که بوسیله مکانیزم قیمت‌ها هدایت میشود، دلایل وجود نابرابری عبارتند از:

برای نشان دادن نابرابری، منحنی مربوط به آمار جدول ۱ را رسم میکنیم. این منحنی، منحنی لورنز خوانده میشود.

۱ - توانائیهای ذاتی - توانائیهای فکری و فیزیکی بطور تصادفی بین افراد مردم توزیع شده‌اند. برخی از افراد با هوش‌تر از دیگران میباشند یا دارای خصوصیت دیگری هستند که توانائی ایجاد درآمد بیشتر را در آن بوجود می‌آورد. دیگران فاقد چنین خصوصیتی میباشند.

خط OB در شکل ۱ نشان دهنده برابری کامل درآمد است یعنی در حالتی که توزیع درآمد بگونه‌ای باشد که هر دهک سهمی برابر ۱۰ درصد از درآمد ملی را دریافت کنند منحنی لورنز بشکل خط OB در می‌آید. میزان نابرابری در درآمد بوسیله فاصله بین منحنی لورنز و خط OB که در شکل‌ها شور زده شده است مشخص میشود، بدیهی است

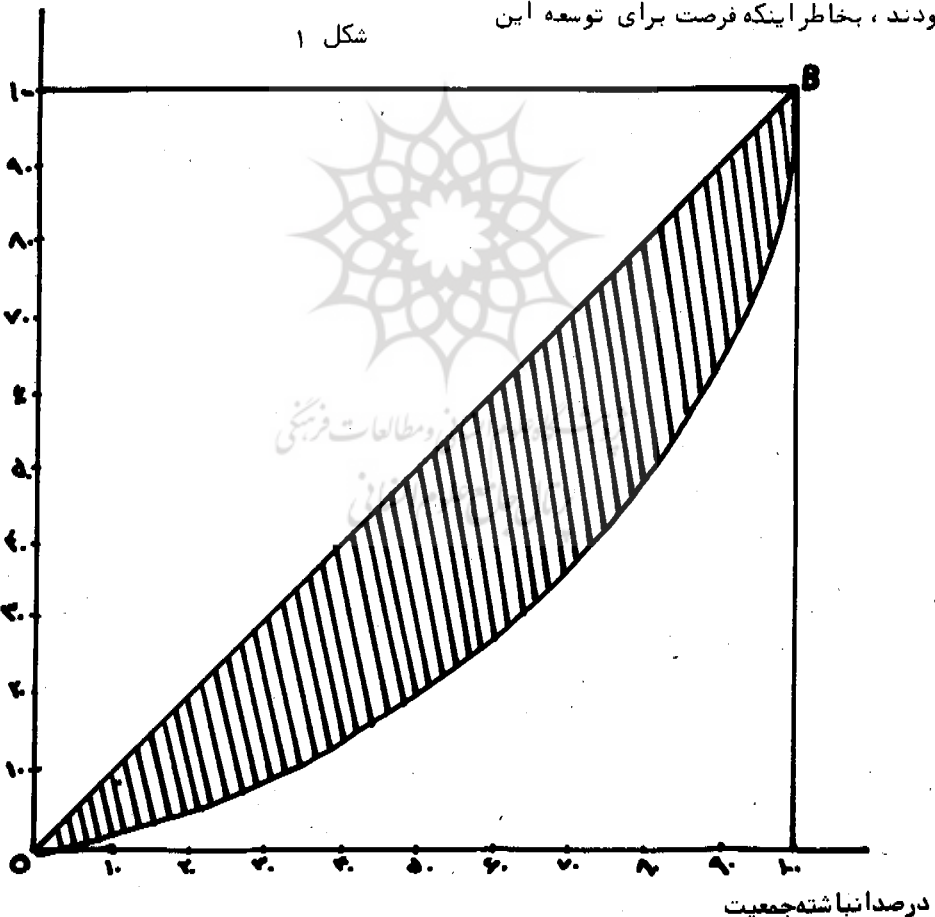
۲ - آموزش و فرصت‌های مناسب -

خصوصیات بطور برابر در اختیار همه قرار نمیگیرد، نابرابری در توزیع درآمد اجتناب ناپذیر میگردد.

۳- ثروت - مالکیت منابع و نهایتاً دریافت درآمد حاصل از ثروت و سرمایه نیز بسیار نابرابر است. بسیاری از خانواده‌ها مالک منابع یا ثروت نیستند در حالی که گروه اندکی دارای املاک و داراییهای قابل ملاحظه‌ای میباشند. اطلاعات جمع آوری شده برای اقتصاد امریکا در سال ۱۹۶۲ نشان درصد انباشته درآمد

فرصت برای توسعه خصوصیات فردی بطور برابر در اختیار همه افراد قرار نمیگیرد. برای ورود به مشاغل پردرآمد، به آموزش نیاز است و گاه بدست آوردن این آموزش بسیار پرهزینه میباشد. بسیاری از خانواده های فقیر نمیتوانند مبالغ قابل ملاحظه‌ای از منابع مالی خود را صرف آموزش فرزندان خود کنند. بعلت پائین بودن سرمایه‌گذاریشان در منابع انسانی، بازدهی نیز که به دست می‌آورند بسیار پائین است. حتی اگر هم افراد از خصوصیات فردی مشابهی برخوردار بودند، بخاطر اینکه فرصت برای توسعه این

شکل ۱



کنند.

۵- توزیع نابرابر بدبختی - غالباً مشکلات اقتصادی مانند بیماری مزمن، تصادف، مرگ نان آور خانواده و بیکاری سرپرست خانواده درآمد خانواده را کاهش میدهد. این مصائب نیز بطور نابرابر بین افراد مردم توزیع میگردد و بدین جهت باعث نابرابری در توزیع درآمد میشود.

۶- سایر عوامل - عواملی دیگر مانند شانس، وابستگی های سیاسی و غیره نیز در دریافت درآمدهای بالا موثر میباشند.

### روند نابرابری درآمد و عوامل مؤثر در آن

رشد اقتصادی قدر مطلق درآمد را در اکثر کشورهای جهان افزایش داده است. آمار و اطلاعات برای اکثر اقتصادهای جهان نشان میدهند که همراه با افزایش درآمدها توزیع نسبی درآمدها نیز بسوی عادلانه تر شدن حرکت کرده است. برای مثال محاسبه ضریب جینی برای اقتصاد ایران ارقام زیر را آشکار میسازد:

ضریب جینی برای اقتصاد ایران<sup>۲</sup>

سال	مقدار
۱۳۵۶	۰/۵۳
۱۳۶۲	۰/۴۵۴
۱۳۶۳	۰/۴۵۳

۲- مرکز آمار ایران - شاخص های نابرابری توزیع درآمد -

بررسی شماره ۶ - مهرماه ۶۴ :

## مالیات‌ها و پرداخت‌های انتقالی:

۱ - مالیات‌ها - مالیات‌ها می‌توانند الگوی توزیع درآمد را تحت تاثیر قرار دهند. در ایران بخاطر وجود مشکلات در نظام مالیاتی، غالبا " مالیات‌های حقوق و مزد یعنی مالیات‌هایی که به درآمدهای ثابت کارمندان و کارگران تعلق می‌گیرند و مالیات‌های غیر مستقیم که مالیات بر فروش کالا و خدمات هستند به راحتی قابل دریافت می‌باشند. در حالی که مالیات بر سود شرکتها و مالیات مشاغل راستا " دولت نتوانسته است به سادگی دریافت کند. بنا بر این در کشور ما غالبا " بیشتر مالیات را طبقات متوسط درآمد و کم درآمد پرداخت می‌کنند. بدین جهت اگر سهمی از کل درآمد پس از پرداخت مالیات را برای گروه‌های درآمد مشخص کنیم، توزیع درآمد پس از کسر مالیات باید نابرابرتر از توزیع درآمد قبل از کسر مالیات باشد. در اقتصادهای دیگر که نظام مالیات با کارآئی مالیات حقه را از مودیان دریافت میکند و نرخ‌های مالیات تصاعدی می‌باشند، مالیات توزیع درآمد را عادلانه‌تر می‌سازد.

۲ - پرداخت‌های انتقالی - غالبا " پرداخت‌های انتقالی دولت مانند پرداخت کمک هزینه به بیکاران، ارائه خدمات بهداشتی و درمانی رایگان و سوسیدها باعث برابری ساختن توزیع درآمد می‌گردند. چون دریافت کنندگان آنها غالبا " خانوارهای کم

درآمد می‌باشند. بنابراین افزایش هزینه‌های دولت برای اقلام فوق باعث عادلانه‌تر شدن توزیع درآمد در اقتصاد میشود.

### دلایل برعلیه نابرابری درآمد:

غالبا " دو دلیل برای نامطلوب بودن وجود نابرابری در توزیع درآمد ارائه شده است:

۱ - حداکثر ساختن رضایت و خشنودی -  
غالبا " گفته میشود که نابرابری در توزیع درآمد مانعی بر سر راه حداکثر ساختن مطلوبیت یا خشنودی بوسیله مصرف کننده می‌باشد. علت این است که درآمد پولی نیز مشمول قانون کاهش مستمر مطلوبیت نهائی میگردد بنابراین واحدهای بالاتر در آمد پولی برای مصرف کننده مطلوبیت کمتری خواهند داشت. فرض کنید که آقای الف ماهیانه ۵۰۰۰۰۰۰ ریال و آقای ب ماهیانه ۱۰۰۰۰۰۰ ریال درآمد دارند. حال اگر توزیع درآمد بین این دو نابرابرتر گردد یعنی اگر ۵۰۰۰۰۰ ریال از درآمد ماهیانه آقای ب را از او گرفته و به آقای الف، دهیم، بنا بر فرض مطلوبیتی که به آقای الف اضافه میشود کمتر از مطلوبیتی است که آقای ب از دست میدهد بنابراین این تغییر در توزیع درآمد مطلوبیت کل آقای الف و ب را کاهش میدهد. بر عکس اگر ۵۰۰۰۰۰ ریال از درآمد آقای الف را از او گرفته و به آقای ب بدهیم، مطلوبیتی که آقای الف

از دست میدهد کمتر از مطلوبیتی است که آقای ب بدست می آورد در این صورت عادلانه تر شدن توزیع درآمد مطلوبیت کل آقای الف و ب را افزایش میدهد.

۲- کارآئی - علاوه بر این بحث میشود که نابرابری فوق العاده زیاد در توزیع درآمد باعث کاهش کارآئی میگردد. برای مثال کارگرانی که کم درآمدترین گروه درآمدی را تشکیل میدهند ممکنست قادر به خرید کالا و خدمات، بخصوص مواد غذایی و مسکن مورد نیاز خود نگردند. بنابراین نتوانند توانائیهای فیزیکی و فکری خود را حفظ کنند. بنابراین کارآئی آنان کاهش می یابد. از طرف دیگر افراد فوق العاده پردرآمد ممکن است بخاطر دریافت درآمدهای بالا کمتر از آنچه که میتوانند کار کنند. بطور خلاصه به عقیده گروهی ناعادلانه تر شدن توزیع درآمد باعث کاهش کارآئی افراد در جامعه میگردد.

### دلایل برله نابرابری درآمد:

آنان که معتقدند وجود نابرابری در توزیع درآمد مفید میباشد دلایل زیر را ارائه میکنند:

۱ - تشکیل سرمایه - نابرابری در توزیع درآمد باعث افزایش پس انداز میگردد. که اگر سرمایه گذاری شود باعث

افزایش نرخ رشد اقتصادی میشود. غالباً بحث میشود که پس انداز افراد پردرآمد است که با گذشت زمان باعث بالا بردن استاندارد زندگی افراد جامعه میگردد. بدلیل اثر ناعادلانه تر شدن توزیع درآمد بر تشکیل سرمایه در گذشته برخی از کشورها (مانند ژاپن) عامدانه توزیع درآمد را نابرابرتر ساخته اند.<sup>۳</sup>

۲- اثرات تشویقی - گروهی از نابرابری در توزیع درآمد بر این اساس که این نابرابری انگیزه تولید، کار و نوآوری را، که نیروهای محرکه اقتصاد هستند افزایش میدهد، دفاع میکنند. درآمد بیشتر برای کارگران و سرمایه گذاران هر دو انگیزه برای کار و تولید بیشتر را بوجود می آورد. جایزه یا تشویق مالی مهمترین عامل برانگیزاننده در اقتصاد سرمایه داری میباشد. اگر پاداشهای مالی بخاطر برابرتر ساختن توزیع درآمد کاهش یابند کارآئی اقتصادی کاهش خواهد یافت.

### فقر:

بسیاری از مردم کاری به نابرابری توزیع درآمد ندارند بلکه مسئله ای که مورد نظر آنهاست و توجه آنها را بخود جلب میکند مسئله عدم کفایت درآمد میباشد. آیا درآمد افراد برای گذران زندگی آنها کافی است؟ چه کسانی فقیر تعریف میشوند؟

دولت ژاپن بموجب قانون مزد کارگران کشاورزی را کاهش داد تا سود مالکین و در نتیجه پس انداز آنان افزایش یابد.

۳ - در قرن نوزدهم برای ایجاد منابع مالی لازم بمنظور تامین هزینه های سرمایه گذاری و نهایتاً "افزایش رشداقتصادی

و از چه سیاستهایی برای ریشه کن کردن فقر میتوان استفاده کرد؟

### فقر چه کسی است؟

فقر را به دقت نمیتوان تعریف کرد. بطور کلی میتوانیم بگوئیم خانواده‌های در فقر زندگی میکنند که منابع در دسترس او تکافوی خرید نیازهای اصلی وی را نمیکند. البته قدر مطلق درآمدی که کمتر از آن را در آمد زیر خط فقر تعریف میکنند به عوامل بسیاری مانند اندازه خانوار، سن اعضا خانوار، دریافت‌های انتقالی از دولت و پس انداز گذشته بستگی دارد. برای مثال با توجه به وضعیت قیمت‌ها و با فرض صفر بودن پس اندازهای گذشته و دریافت‌های انتقالی از دولت، اگر خانواری که دارای دو عضو است با درآمد کمتر از ۶۰۰۰۰۰۰ ریال در سال زیر خط فقر قرار گیرد، اگر خانواری که دارای سه عضو میباشد با درآمد کمتر از ۸۰۰۰۰۰۰ ریال در سال در زیر خط فقر قرار میگیرد و غیره. هر چه اندازه خانوار بیشتر باشد، باید درآمد بیشتری داشته باشد تا بتواند نیازهای اساسی خود را تامین کند.

### دو فلسفه متضاد:

با فرض وجود فقر در جامعه آیا دولت باید برای از میان برداشتن آن اقدام کند؟ در این زمینه دو نظر کاملا متفاوت با یکدیگر وجود دارد.

۱- کمبودهای فردی - گروهی عقیده دارند که اغلب خانواده‌های فقیر خود مسئول وضعیتی که در آن قرار دارند می-باشند.

اینان غالبا " از فرصتهای آموزشی در دسترس استفاده نکرده‌اند، یا با وجود اینکه فاقد مهارت خاصی میباشند، در برنامه‌های آموزش مجدد ثبت نام نمیکنند. غالبا " دارای فرزندان بسیاری هستند و در زمانی که دارای درآمد مناسبی نبوده‌اند و لخرجی کرده‌اند. گروهی دیگر فقیرند بخاطر اینکه تسبیل و تن پرور میباشند و گروهی دیگر به زندگی فقیرانه تمایل بیشتر دارند. بطور خلاصه بعقیده این گروه فقر ناشی از نارسا-ئیهای فردی، عدم تحرک، کوتاه فکر و کوتاه نگر بودن و در برخی موارد بخاطر ارجحیت فقر برای خانواده میباشد. بنابراین چون افراد فقیر خود مسئول فقیر بودن خود هستند به اجرای سیاستهای اقتصادی از طرف دولت برای ریشه کن کردن فقر نیازی نیست.

۲- قربانیان اجتماع - گروهی دیگر با نظر فوق مخالف بوده و معتقدند که فقر ناشی از کمبودهای اجتماعی و فرهنگی است که افراد نمیتوانند بر آنها غلبه کنند بنابراین این افراد فقیر قربانیان این نارسائیهای اجتماعی و فرهنگی میباشند. برخی نیز از تغییرات سریع تکنولوژی ضربه خورده‌اند. گروهی نمیتوانند کار پیدا کنند بخاطر اینکه جامعه فرصت آموزش در اختیار آنها نگذاشته یا فرصت اشتغال برای آنها ایجاد نکرده است گروه دیگری دارای معلولیت‌های فیزیکی

یا روانی هستند که خود مسئول بوجود آوردن آن نبوده و نیستند. بطور خلاصه فقر یک ضایعه اجتماعی است و بنابراین دولت مسئول ریشه کن کردن آن میباشد.

دولت‌ها غالباً "با نظر دوم موافق هستند و اکثر آنها برای ریشه کن کردن فقر کوشش میکنند. وجود پرداختهای انتقالی دولت و سوپسید و کمک هزینه‌ها خود دلیلی برای این مسئله میباشد. در برخی از کشورها بیکاران از دولت کمک هزینه دریافت میکنند در ایران کارگران هنگام بیکاری وجوهی از سازمان تامین اجتماعی دریافت نمیکنند.

ارائه خدمات آموزشی و بهداشتی مجانی در اکثر کشورها منجمله در ایران تا حدی کمک در جهت کاهش فقر و نابرابری در توزیع درآمد میباشد. در عین حال حذف برخی از سوپسیدها بخاطر مشکلات مالی دولت اثری نامطلوب بر توزیع عادلانه درآمد و ریشه‌کن کردن فقر داشته است.

مالیات بر درآمد منفی:

با توجه به بحث فوق اخیراً "گروهی از ثبات درآمد در سطحی خاص حمایت میکنند اینان حداقل درآمد لازم را تعریف کرده و معتقدند دولت نه تنها باید از صاحبان درآمدهای پایین‌تر از آن مالیات دریافت نکند بلکه باید ما به التفاوت درآمد فرد با حداقل درآمد را نیز به او پرداخت کند (مالیات منفی) در صورتی که چنین نظامی برای عادلانه‌تر ساختن توزیع درآمد و از میان برداشتن فقر طراحی گردد باید دارای خصوصیات زیر باشد:

۱- باید حداقل درآمدی را برای افراد فقیر در جامعه تامین کند.

۲- باید انگیزه اشتغال به کار را کاهش ندهد یعنی طرح به گونه‌ای نباشد که برای گروهی از افراد رها کردن شغل و دریافت کمک هزینه از دستگاه دولت جذابیت داشته باشد.

۳- طرح باید دارای کارآئی فوق العاده بالا باشد تا با کمترین هزینه اجرا گردد<sup>۴</sup>



همکار ارجمند جناب آقای فریدون وحدتی نیکزاد

مصیبت وارده را تسلیت عرض نموده طول عمر با سعادت برای جناب‌عالی مسئلت داریم.

4-C.R. Mc connell, Economics, 1978, Mc graw

Hill, pp760 - 777